

# مرز قانونی بین تعدد جرم و تکرار جرم

□ عزیز طوسی (قاضی دادگاه نظامی تهران)

(قسمت پایانی)

عناوین مجرمانه متعدد فرار از خدمت و لغو دستورات است.

آیک فعل مرکب شامل اعمالی باشد که هر کدام عنوان خاص جرمی را داشته باشند و در عین حال مجموع آنها در قانون عنوان خاصی داشته باشد؛ مثل ورود غیر مجاز به منزل غیر و ارتکاب سرقت.

در تعدد معنوی، مجازات جرمی مورد حکم قرار می‌گیرد که سنگین تر است ولی از حداکثر مجازات سنگین ترین جرم فراتر نمی‌رود و تشدید نمی‌شود. بعضی از قوانین کیفری در تعدد معنوی به تأسی از مقررات تعدد مادی جرم به تشدید مجازات عنایت داشته‌اند، مثل ماده ۸۱ قانون مجازات ایتالیا، ماده ۶۲ قانون مجازات نروژ و ماده ۳۳ قانون مجازات سوئیس، در تعدد معنوی جمع چند مسؤلیت برای یک حرکت مجرمانه فرد خلاف عدالت است، همان گونه که ادغام مجازاتهای چند فعل مجرمانه یک مجرم، خلاف عدالت است. (۲)

اگر حکومت به عللی به مجرم دسترسی نداشته باشد و او مدام در مکانهای مختلف و زمانهای مختلف مرتکب جرم شود و گرفتار محکومیت قطعی نشود، تحت حمایت غیرمستقیم قانون، در روی زمین فساد خواهد کرد، به عبارت دیگر قانون خود به یک عامل جرم بدل خواهد شد.

تعدد مادی در همه سیستم‌های حقوقی مطرح است و سبک اعمال کیفر از زمانی به زمان دیگر و از کشوری به کشور دیگر

می‌دهند. مثلاً کسی که مرتکب سرقت شده، اگر همزمان با سرقت، یک نفر را مجروح کند و یک نفر دیگر را به قتل برساند، مرتکب چند جرم شده است. یا اینکه صبح مرتکب قتل بشود، بعد از ظهر اتومبیل کسی را بدزدد و فردای آن روز، انبار کالایی را آتش بزند؛ مرتکب چند جرم شده است. این گونه جرایم از مصادیق تعدد مادی هستند.

**در دو حالت، تعدد جرم را معنوی گویند:**

از زمانی که جرم از لحاظ عنصر مادی فقط یک فعل باشد، لیکن در تجریم (۱) یعنی قانونگذاری کیفری از دیدگاه‌های مختلف در شمول عناوین متعدد جرم قرار گیرد. مثل اینکه حکم انتقال یک نظامی را به وی ابلاغ کنند و او از رفتن به محل جدید خودداری کند و بعد از سه ماه دستگیر شود. فعل ارتكابی او واحد بوده، همان خودداری از خدمت در محل جدید است، ولی مشمول

## قسمت سوم - تعدد جرم

وقتی که چند جرم توسط یک شخص انجام شود و یک محکومیت قطعی آنها را از هم جدا نکند، تعدد جرم حاصل شده است؛ خواه مرتکب این جرایم به نحوی از چنگ قانون خود را رها ساخته باشد یا اینکه فاصله ارتکاب دو جرم به اندازه‌ای کم باشد که فرصت محاکمه شدن را نداشته باشد. اگر ارتکاب چند بزه یا محکومیت قطعی از هم جدا شده باشند، تعدد جرم تحقق نخواهد یافت؛ بلکه تکرار جرم عنوان خواهد شد که مقررات خاص خودش را دارد. در قانون، وضعیت مرتکب جرایم متعدد با شدت عمل کمتری روبه‌روست تا مرتکب تکرار جرم. در تعدد جرم، مجرم اخطار قضائی را دریافت نکرده است و بدان جهت تقصیرش کمتر است. تعدد جرم به تعدد معنوی و تعدد مادی تقسیم می‌شود. جرایم ارتكابی یک فرد هرگاه از لحاظ عنصر مادی از هم جدا باشند چند جرم مستقل را تشکیل



بود. اگر همان شخص مرتکب چهار فقره جنایت شود که مجازات دو فقره آن حبس دائم باشد بمنزله آن خواهد بود که از سه فقره جنایت او به طور کلی چشم پوشی کرده باشند.

#### د- سبک اجتماع مجازاتها با محدودیت خاص:

در این شیوه، تعدد جرایم در مجازاتها اثر ندارد و مجازاتهای چندگانه به تبع تعدد جرایم ارتكابی تعیین می شوند. دارندگان این نظریه حکمت و فلسفه آن را صدور اعمال جنایتکارانه چندگانه از مجرم می دانند و می گویند این گونه مجرم، بدون شک، از مجرمی که یک فعل بزهکارانه مرتکب شده است خطرناکتر است و درست نیست که با این دو یکسان رفتار شود. از طرف دیگر اگر بپذیریم که شخص مجرم، در صورت تعدد جرم، شایسته و سزاوار بیش از یک مجازات نیست، این پذیرش بمنزله مساعدت به مجرم خواهد بود، تا تبهکاری خود را ادامه دهد و در صورت غفلت دستگاه قضائی و عجز قانون از دستگیری وی، فقط مجازات یک جرم را تحمل کند، و اما چنانچه قانون بدون قید و شرط برای مجرم به اندازه شماره جرایم ارتكابی وی مجازات تحمیل کند، نسبت به او سخت گیر خواهد بود. لذا قانونگذار طرفدار این شیوه، جمع مجازاتها را مقرر می دارد به شرطی که مجموع مدت مجازاتهای تحمیلی از ۲۵ سال تجاوز نکند. این تعیین حدود، همانند تعیین حدود در سبک تشدید مجازات است.

#### ه- سبک قانون مجازات اسلامی

ایران:

احکام تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی ایران را در چند قسمت می توان گروه بندی کرد:

#### ۱- تعدد در جرایم قابل تعزیر؛

۱- تعدد معنوی؛ در جرایم قابل تعزیر هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد، مجازات جرمی داده می شود که مجازات آن اشد است. (۳) در این فرض قصد مجرمانه یکی است، فعل یکی است و غرض از فعل هم یکی است لیکن نتیجه حاصله، مشمول عناوین مختلف قانونی می شود. در حقیقت تعددی وجود ندارد، بلکه مشکل مربوط به تدوین قانون است، که به علت پیچیدگی اعمال و افعال مجرمانه، هرگز اصل جامع بودن و مانع بودن کلام قانون بطور کامل رعایت نمی شود. مثل لغو دستور و امتناع از عزیمت به محل جدید خدمت که اگر ادامه پیدا کند مشمول قاعده فرار از خدمت هم می شود. در مرحله نخستین تدوین، پیش بینی چنین وضعی شاید متبادر به ذهن نبوده است، ولی در اصلاحیه ها، و بازنگری ها یا تدوین های مجدد به آسانی می توان قاعده ویژه ای را بر چنین حالتی حاکم کرد. باید توجه داشت که در قانون ما تشدید مجازاتی برای تعدد معنوی جرم وجود ندارد، بلکه ذکر مجازات اشد برای تعیین اولویت در انتخاب است. البته تشخیص اینکه کدام مجازات سنگین تر است، گاهی خیلی پیچیده و مشکل آفرین است.

#### ۱-۱) اگر جرایم قابل تعزیر مختلف

باشند باید برای هر یک از جرایم، کیفر جداگانه و مربوط به آن جرم مورد حکم قرار گیرد. مجازاتهایی که به این طریق تعیین می شوند، قابل ادغام نیستند و هر کدام مستقلاً و به نوبه خود قابل اجراست. مگر در صورتی که در بین مجازاتهای تعیین شده مجازاتی باشد که مانع اجرای دیگری باشد.

#### ۱-۲) اگر جرایم ارتكابی قابل تعزیر از

یک نوع باشند، فقط یک مجازات مورد

حکم قرار می گیرد. چون جرایم از یک نوع هستند دیگر مشکل تعیین جرم سنگین تر و مجازات اشد وجود ندارد. در این فرض، تعدد جرم می تواند از علل بشده کیفر باشد. تشدید مجازات یک بحث قانونی مهم و با ارزش است. بطور باید مجازات را تشدید کرد؟ مجازات تکمیلی را باید به آن اضافه کرد، یا نوع دیگری از انواع مجازات را باید به آن اضافه کرد و یا اینکه مجازات قانونی همان جرم را باید زیادتر کرد؟ اگر فرض آخری را بپذیریم، به چه میزان باید اضافه شود؟ متأسفانه قانونگذار خود تشدید را در متن قانون گنجانده است اما روش تشدید را مسکوت گذاشته است.

#### ۱-۳) اگر مجموع جرایم ارتكابی در

قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می گردد. به نظر می رسد منظور قانونگذار از عبارت «مجازات مقرر در قانون»، مجازات جرم خاص مذکور در ماده باشد. بهر حال می توانست خیلی روشن تر از این بیان نماید. قوانین کیفری بعضی از کشورها این مورد را تعدد معنوی تلقی کرده اند و آنهایی هم که تعدد معنوی ندانسته اند در تعیین مجازات، قاضی را به مجازات شدیدتر هدایت کرده اند.

#### ۲- حکم تعدد جرم در حدود و

#### قصاص و دیات:

در مبحث قصاص و دیات اگر جرایم ارتكابی متعدد باشند نه اثر تخفیفی دارند و نه اثر تشدید می. (۴) گاهی در لایحی مقررات و احکام مربوط به قصاص و دیات، جرایم تعزیری پیش بینی شده است که به نظر می رسد حکم ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی نسبت به آنها جاری باشد. در مبحث حدود، قواعد تعدد جرم و تکرار جرم جداگانه در باب مربوط آمده است.

در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی با اینکه نوع جرم ارتكابی یکی است، اختلاف مجازات‌ها موجب اجرای مجازات‌های چندگانه است. ولی اگر مجازات‌ها از یک نوع باشند فقط یک مجازات مورد حکم قرار می‌گیرد.

این مطلب قابل ذکر است که قانون جزای ایران در تقریر قواعد تعدد جرم در بخش تعزیرات، قواعد تعدد جرم در حدود را پایه و اساس قرار داده است. حقوقدانان

بزرگ در تحلیل مسائل مربوط به تعدد جرم گاهی به مشکلات پیچیده‌ای برخورد کرده‌اند که بعد از گفتگوی فراوان و اظهار نظرهای گوناگون در همان مرحله اختلاف نظر مانده‌اند. مثلاً در موردی که شخص با انجام فعل واحد جرایم متعددی را مرتکب می‌شود، موضوع پیچیدگی خاصی دارد، چون فعل

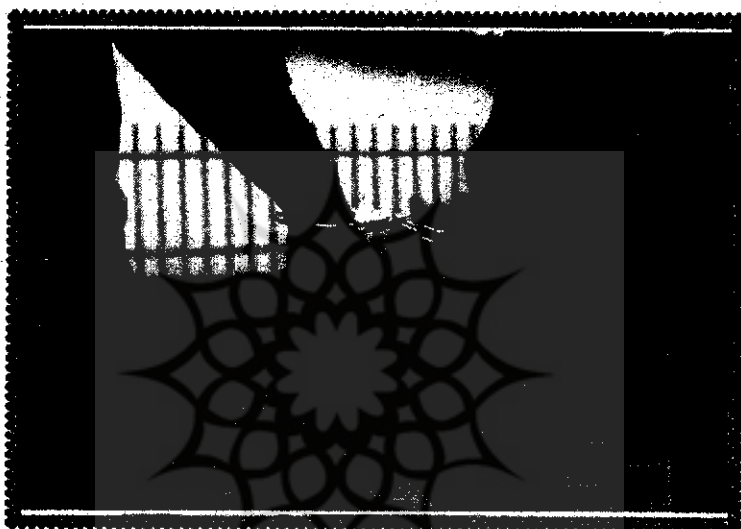
واحد است نمی‌توانند بگویند، تعدد جرم است و چون نتیجه تعدد است جرم واحد هم تلقی نمی‌شود، ناچار آن را تعدد معنوی دانسته‌اند؛ در حالیکه چنین نیست. در قانون مجازات اسلامی، در مبحث قذف مثال خوبی برای این مورد داریم:

«لوقذف رجل جماعة بلفظ واحد، فإن أعتوا به مجتمعين ضرب حداً واحداً، وإن أعتوا به متفرقين، ضرب لكل منهم حداً، ولوقذفهم متفرقين حد لكل منهم حداً.»

«اگر مردی گروهی را با یک سخن قذف کند، پس اگر به صورت دسته جمعی علیه او اقامه دعوی کنند یک حد به او زده می‌شود، و اگر جدا از هم اقامه دعوی بکنند، به خاطر قذف هر کدام از آنان یک حد می‌خورد، و

اگر آنان را جداگانه قذف کند به خاطر هر کدام از آنان یک حد به او زده می‌شود.»

اکنون باید دید آیا بین دو اصطلاح حقوقی تعدد جرم و تکرار جرم مرزی وجود دارد یا نه؟ و آیا قلمرو حقوق جزا را یکسان و مساوی بین این دو وارث تقسیم کرده‌اند یا اینکه اینان هر کدام با قالبی خاص که در هر سیستم حقوقی پیدا می‌کنند حق خود را تصاحب می‌کنند و در بقیه قلمرو حقوق جزا، دخالت نمی‌کنند، و در نتیجه



میدان وسیعی باقی می‌ماند که دستگاه قضائی با مجرم مثل یک مرتکب اولیه رفتار می‌کند. اگر ارتباط زمانی جرائم چندگانه را مورد تحلیل قرار دهیم مطلب روشن‌تر خواهد شد.

۱. ممکن است دو یا چند جرم متقارن و همزمان باشند.

۲. ممکن است ارتکاب دو یا چند جرم با فاصله زمانی صورت گیرد. ولی قبل از ارتکاب آخرین جرم کشف و تعقیب صورت نگرفته باشد.

۳. در فاصله زمانی ارتکاب چند جرم در مورد بعضی از آنها کشف و تعقیب صورت گرفته باشد.

۴. در فاصله زمانی ارتکاب دو یا چند

جرم برای بعضی از آنها قرار مجرمیت صادر شده باشد.

۵. ارتکاب یک یا چند جرم بعد از صدور کیفرخواست برای جرم نخستین باشد.

۶. بعضی از جرایم بعد از صدور رأی غیر قطعی، قابل تجدیدنظر خواهی، اتفاق افتاده باشد.

۷. از فاصله صدور رأی قطعی و فرجام خواهی، جرم دیگری واقع شده باشد.

۸. پس از قطعیت حکم محکومیت و پیش از اجرای آن محکوم علیه مرتکب بزه دیگری شود.

۹. محکوم علیه حین تحمل کیفر مرتکب یک یا چند جرم دیگر شود.

۱۰. محکوم علیه پس از خاتمه اجرای حکم، جرم دیگری را مرتکب بشود.

۱۱. محکوم علیه پس از اجرای حکم و پیش از اعاده

حیثیت به اتهام ارتکاب جرم جدیدی تحت پیگرد واقع شود.

اگر در این تقسیم‌بندی زمانی دقت شود، روشن خواهد شد که هر جرمی که محکوم علیه بعد از اجرای کامل حکم محکومیت مرتکب شود بدون تردید مشمول قاعده تکرار جرم از دیدگاه قانون و

قضا خواهد بود. بنابراین تجزیه و تحلیل، بندهای اول و دوم این تقسیم‌بندی قانوناً تعدد و بندهای ۱۰ و ۱۱ آن تکرار جرم است، ولی هفت صورت دیگر آن بین قاعده تعدد و قاعده تکرار در گردش نجومی خواهد بود. عده‌ای ممکن است اعتقاد بر این داشته باشند که بین تعدد جرم و تکرار جرم یک مرز باریک وجود دارد و آنجا که قلمرو تعدد

جرم پایان می‌یابد قلمرو تکرار جرم شروع می‌شود، این صاحب‌نظران، جرمی را که محکوم علیه بعد از محکومیت قطعی و قبل از اجرای حکم مرتکب می‌شود مشمول کدام قاعده خواهند دانست؟ برابر نص صریح ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی قاعده تکرار جرم بر زمان بعد از اجرای حکم، جاری است، بنابراین در حالت مفروض به قاعده تکرار جرم نمی‌توان متوسل شد، چون محکومیت قبلی اجرا نشده است و به قاعده تعدد جرم هم نمی‌شود پناه برد زیرا بعد از صدور حکم قابل اجراستاد به قاعده تعدد جرم و تجدید رسیدگی هیچ محمل قانونی ندارد.

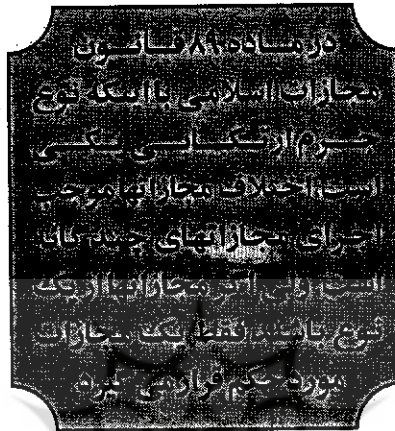
اگر متهم بعد از صدور حکم غیر قطعی مرتکب جرم دیگری شود آیا باز هم باید صادره فسخ شود و یک بار رسیدگی شود؟ ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی چنین صراحتی ندارد. ممکن است ما بنا به انسی که به قانون مجازات عمومی داریم و روش قضائی که بر مبنای قانون مذکور بوده است، اطلاق ماده ۴۷ را فرصت بشماریم و روح قانون مجازات عمومی را در آن جاری سازیم، در حالی که روح قانون مجازات اسلامی یا آن مغایرت دارد. به علاوه روح قانون در امور کیفری، قابل استناد نیست. بر فرض اینکه قابل استناد باشد، این قانون روح مجرم پروری ندارد بلکه روح آن آیه ۸ سوره الزلزال است که می‌گوید: «فمن یعمل مثقال ذرة شرایره»

ما از چند دیدگاه می‌توانیم به قانون استناد کنیم. اول نص صریح قانون، دوم منطوق قانون، سوم مفهوم موافق قانون، چهارم مفهوم مخالف قانون، پنجم روح قانون.

آنچه که از ماده ۴۷ مستفاد می‌شود جرائم ارتكابی باید در یک حوزه قضائی

باشند و قبل از رسیدگی دادگاه اتفاق افتاده باشند، برای غیر موارد آن نیاز به تصریح است، همان گونه که در تکرار جرم، تبصره ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی در مورد محکومیت‌های سابق محکوم علیه تصریح کرده است.

در مورد تعدد جرم توسل به بندب ماده



۳۲ قانون مجازات عمومی یا مقررات عمومی تعدد جرم، و یا دیدن روح قانون مرده، در قانون مجازات اسلامی بی‌وجه و نادرست خواهد بود. چون قاعده تعدد جرم در قانون ما بر مبنای قواعد تطبیقی بین‌المللی نیست بلکه مستقل است. اگر ابهامی دارد باید اصلاح شود یا اینکه ابهام و اشکال را با استفاده از خود همان ماده باید حل کرد.

اگر جرایم ارتكابی مختلف نباشد و در حوزه قضائی یک استان اتفاق افتاده باشند و تاریخ ارتكاب آنها قبل از صدور رأی دادگاه باشد، آنها را می‌شود یک بار رسیدگی کرد. اگر به یک اتهام فرد، دادگاه رسیدگی و حکم صادر کرده باشد و بعد معلوم شود که قبل از تاریخ رسیدگی، جرایم دیگری هم از همان نوع مرتکب شده است می‌توان با تصحیح حکم یا رسیدگی در مرجع تجدیدنظر مشکل را حل کرد.

اگر جرایم ارتكابی در مکانهای مختلف که تابع یک حوزه قضائی نیستند، اتفاق

افتاده باشند بهتر است هر مرجع مستقلاً رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید. اگر در فاصله صدور رأی دادگاه و پایان اجرای حکم قطعی دادگاه، مجرم هر جرم دیگری را مرتکب شود، بدون عنایت به محکومیت مذکور و بدون پای بندی به مقررات تعدد و تکرار باید محاکمه شود.

اگر جرایم ارتكابی در صلاحیت یک مرجع قضائی نیستند باید هر کدام در مرجع صالحه و بدون توجه به تصمیم‌گیری مرجع دیگر مورد رسیدگی قرار گیرد. اگر جرایم چندگانه را آنجا که مشمول قاعده تکرار جرم نیستند، مشمول قاعده تعدد جرم بدانیم و سعی در این داشته باشیم که همه را یک جا جمع کنیم و در یک دادگاه رسیدگی کنیم، فرصت خوبی برای بزه‌کاران خواهد بود که گاهی با داشتن پانزده فقره ارتكاب در زمانهای مختلف و مکانهای مختلف، گرفتار چنگ عدالت نشوند. بهتر است قانون بجای حمایت از مجرم، از متصدیان دستگاه قضائی، و جامعه مضطرب و زیان دیده حمایت کند تا مجرمین حرفه‌ای از پیچیدگی‌های قانونی و قضائی سوء استفاده نکنند. با عنایت به اینکه اختیارات قاضی در تعیین مجازات وسیع است، محکومین از مساعدتهای لازم برخوردار خواهند بود و اگر باز هم مجرمین این شیوه را نپسندند با مراقبت بیشتر از اعمال و رفتار خود گره از مشکل خویش بکشایند. (پایان)

### پی‌نوشتها:

۱- incrimination

۲- فَمَنْ يَّعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ - فَمَنْ يَّعْمَلْ

مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ، آیات ۷ و ۸ سوره الزلزال.

۳- ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی.

۴- سیدابوالقاسم الموسوی الخوئی، مبانی

تکملة المنهاج، مسأله ۲۰۳.